

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای دفاع مقدس* (علمی- پژوهشی)

دکتر محمدرضا یوسفی

دانشیار دانشگاه قم

صدیقه رسولیان آرائی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه قم

چکیده

نماد کلمه، عبارت یا جمله ای است که علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القامی کند و به شیوه کاربرد یا پردازش آن، نماد پردازشی اطلاق می‌شود. نمادپردازی در شعر معاصر از یک سو ادامه روند طبیعی و رو به رشد شعر فارسی بود؛ همان‌گونه که در ادواری تشبیه‌گرا و در قرون استعاره‌گرا بود، در این عصر هم نمادگرا شد؛ از سویی نیز معلول عوامل خارجی مثل عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بود که به جرأت می‌توان نیما را پرچمدار نمادگرایی در شعر معاصر محسوب کرد.

از آنجا که شعر هر عصر، آینه تمام‌نمای آن عصر است، می‌توان تصویر حوادث، وقایع و تحولات جامعه را در آن دید. ساخت و پردازش نمادها در شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز متفاوت و درک و فهم آن مستلزم آشنایی با حوادث و شرایط این دوره است. انقلاب آرمان‌گرای اسلامی و هشت سال دفاع مقدس بر پایه آموزه‌های اسلام و سرچشمه همیشه زلال کربلا، رنگ و بوی خاصی به شعر دفاع مقدس بخشیده است. بررسی اشعار این برهه، حتی از یک شاعر جوان مثل مرحوم سلمان هراتی که در ریعان شباب شاعری به سوی معبود پرکشید، نشان دهنده این واقعیت است که می‌توان نمادهای آن را در دو دسته نمادهای مقاومت و نمادهای مرتبط با مقاومت تقسیم کرد.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲

myousefi46@yahoo.com

sedighehrasolian@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۳

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

عمده‌اب‌تکار هراتی در ساخت و کاربرد نمادهای دفاع مقدس، تداعی معانی بدیع و به کارگیری طیف گسترده‌ای از مفاهیم و مضامین در شعر است. نمادهای وی بر مصادیق زیادی که گاه دربردارنده نمادهای تکراری و غیر ابداعی نیز می‌شود، دلالت دارد. پژوهش در نمادهای سلمان هراتی به عنوان شاعر دفاع مقدس بیشتر از این جنبه حائز اهمیت است که مخاطب را با زمینه شکل‌گیری و پردازش این نمادها آشنا می‌سازد.

واژگان کلیدی: نماد، شعر دفاع مقدس، ابهام، انقلاب اسلامی، سلمان هراتی.

۱- مقدمه

۱-۱- تعریف لغوی نماد، رمز و سمبل

«نماد» با فتح نون و سکون دال (بر وزن سواد)، از نمود (بر وزن ودود) است. «نمودن» یعنی «نشان دادن» (فرهنگ غیاث اللغات: ذیل «نماد»); هم‌چنین از ریشه «نمود» و «نمودن» به ضم نون، به معنی «ظاهر شدن و نمایان گردیدن» در برخی متن‌ها و فرهنگ‌های کهن به چشم می‌خورد. با این تلفظ، مفهوم لازم را دربردارد که در معنی فاعلی نیز به کار رفته است؛ یعنی «ظاهر شونده و نمایان گردنده». (فرهنگ آندراج: ذیل «نماد») در صیغه مصدری (نماییدن) و با مفهوم متعددی «نمایان گردانیدن» نیز آمده است (همان); نزدیک به همین معنی، کلمات «نمایه»، «نمودن» و گاه «نمونه» و مانند آنها در اشعاری از منابع قدیم به چشم می‌خورد. جامع‌ترین تعریف لغوی را صاحب آندراج عرضه کرده است که نماد را در مفهوم متعدی و به معنای فاعلی آن، یعنی «ظاهر کننده» و «نشان دهنده» آورده و دهخدا نیز عیناً عبارت آندراج را پذیرفته است (لغتنامه دهخدا: ذیل «نماد»).

رمز، معادل عربی نماد است که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود. معنی آن به لب، چشم، ابرو، دهن، دست و یا به زبان اشاره کردن است. رمز در زبان فارسی به معانی گوناگون به کار رفته است؛ از جمله: اشاره، راز، سرّ، ایما، دقیقه، نکته، معما، نشانه، علامت، اشاره کردن، اشاره کردن پنهان، نشانه مخصوصی که از آن مطلبی درک شود، چیز نهفته میان دو کس که دیگری بر آن آگاه نباشد و بیان مقصود با نشانه‌ها و علائم قراردادی و معهود است (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۱).

سَمْبُل (Symbol) معادل انگلیسی نماد است و «Symbolé» به معنی «نشانه» یا «علامت» به کار می‌رود (همان: ۵). به هر حال این کلمه که در ایران، ابتدا از زبان فرانسه با تلفظ «سَمْبُل» ترجمه شده بود، اکنون هم با همان تلفظ در زبان فارسی رایج است؛ به عنوان نمونه فرهنگ نفیسی «سمبل» را چنین تعریف کرده است: «نشانه، نشان، علامت، نماینده، نمونه، رمز، شبه، صورت». (فرهنگ نفیسی: ذیل «سمبل») در فرهنگ فارسی معین نیز ذیل سمبل (Symbol) به فرانسه «Symbolé»، معانی نشانه، علامت، مظهر و هر نشانه قراردادی اختصاصی آمده است. (فرهنگ فارسی: ذیل «سمبل») از آنجا که مفهوم این سه لغت، صرف نظر از پاره‌ای اختلافات یکی است، در این پژوهش به جهت اختصار از کلمه «نماد» استفاده می‌شود.

۱-۲- تعریف اصطلاحی نماد

«نماد» از اصطلاحاتی است که روانکاوان و روانشناسان، دین‌شناسان و محققان پدیدارشناسی دینی، پژوهشگران عرصه‌های عرفان و تصوف، اسطوره‌شناسان و هنرمندان مختلف، تعریفی از آن ارائه کرده و از منظر خود به آن نگریده‌اند. در میان تعاریف ارائه شده، نقطه مشترکی وجود دارد و آن عبارت است از اینکه سمبل و نماد، باید معنایی فراتر از معنای ظاهری داشته باشد. چارلز چدویک^(۱) معتقد است: «سمبلیسم را می‌توان هنر بیان افکار و عواطف، نه از راه شرح مستقیم و نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهایی بی توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست» (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۱).

سردرگمی و تشویش در تعریف نماد، نمایان این مطلب است که: «نماد عنصری سرکش و غیرقابل تعریف است و تامل و تلاش هرچه بیشتر برای تعریف نماد، فقط به ناگشودگی، بی‌کرانگی و عروج بیشترش مدد می‌رساند» (قبادی، ۲۸: ۳۴۷). یونگ^(۲) می‌گوید: «سمبل دارای جنبه ناخودآگاه وسیع‌تری است که هرگز به طور کامل توضیح داده نشده و کسی هم امیدی به تعریف آن ندارد» (یونگ،

۱۳۵۲: ۲۴). شعرای سمبولیست از نمادهای خصوصی که کاملاً جنبه القایی دارند، استفاده می‌کردند. مالارمه، سمبولیسم را فراخوانی تدریجی یک شیء می‌داند تا بدانجا که حال و هوای خاصی را پدید آورد. او نماد را نوعی قیاس میان ذهنیت و عینیت (تجرید و ذات) می‌داند. در این شیوه قیاس، فقط یکی از طرفین مقایسه القا می‌شود. به همین جهت استفاده از نماد موجب می‌شود شعر و اثر سمبولیستی را هر کس بنا به درک و احساس خود بفهمد. (رک: فرهنگ اصطلاحات ادبی ذیل سمبولیسم) نماد از منظر علوم بلاغی (که مبنای این پژوهش است) کلمه، عبارت یا جمله‌ای است که علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای به خواننده القا کند؛ عمل به کارگیری یا شیوه به کار بردن، پردازش و تبدیل مفاهیم به نماد را «نمادپردازی» گویند. در واقع نمادپردازی، مجموعه مراحل و تبدلات فرآیند تکون یک ساختار نمادین است؛ با این توصیف، نمادپردازی در برابر «Symbolization» قرار می‌گیرد (قبادی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۲- بحث

۲-۱- زمینه شکل‌گیری نماد در شعر

مهم‌ترین حلقه اتصال ملت‌ها و نقطه ثقل مشترک آنها فرهنگ است و شاعران معمولاً نمادها را از زمینه‌های فرهنگی که در جامعه وجود دارد، استخراج می‌کنند؛ از این رو طبقاتی از مردم برای درک آن آمادگی بیشتری دارند. به هر حال در نماد معمولاً یک قرینه فرهنگی مطرح است؛ مثلاً در این شعر نیما: «شب قرق باشد بیمارستان» ظاهراً بیمارستان نماد ایران و جامعه ایرانی عصر شاعر است که در فرهنگ ما با سکوت، بدبختی و گرفتاری همراه است. گاهی زمینه نماد، سنن ادبی و تلمیحات است؛ مثلاً: گندم با توجه به تلمیح داستان آدم و حوا می‌تواند نماد بلیه و بدبختی باشد؛ یا سلیمان که نماد هیبت و وحشت است. به طور کلی، نماد، حد و حدودی ندارد و نویسنده مناسب با بحث خود می‌تواند هر چیزی را به نماد تبدیل کند؛ چنان که مولانا کرده و خواننده باید به قراین معنوی متوجه نمادهای او شود:

«حرف قرآن را ضریران معدنند خر نبینند و به پالان بر زنند»

(مثنوی معنوی: ۲۰۹)

خر که معمولاً نماد تن یا کندفهمی است، در اینجا نماد اصل و باطن است و مولوی پالان را نماد ظاهر و فرع قرار داده است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۱۳-۲۱۴). نمادگرایی در شعر نو، با نیما یوشیج آغاز می‌گردد. او تحت تاثیر نمادگرایان فرانسوی و مطالعه آثار آنان، برخی از ویژگی‌های نمادگرایی را وارد شعر فارسی کرد. بی‌تردید «جدا از غزل‌های عارفانه، ابهام شعری با کوشش نیما بود که در شعر فارسی، به معنی حقیقی کلمه راه یافت» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲۹).

نیما با عقیده به جریان طبیعی بیان و نیز تعهد در شعر در بازگو کردن حقایق اجتماعی، استفاده از نماد را نه برای بیان مفاهیم انتزاعی و گسسته از طبیعت زندگی، بلکه در خدمت واقعیت‌های زندگی و حفظ جریان طبیعی در خلاقیت شاعرانه به کار گرفت (همان: ۱۷۳). این شیوه بیان، بعدها به وسیله اخوان و شاملو به اوج زیبایی شعری خود رسید و راه و سبک نیما نهادینه شد و پیروان زیادی یافت. به همین جهت، نیما را می‌توان سلسله جنبان نمادگرایی شعر فارسی لقب داد. اگر به درون مایه شعر فارسی در تاریخ هزار و اند ساله‌اش بنگریم، مشاهده می‌کنیم که شعر فارسی در سبک خراسانی تشبیه‌گرا شده و در سبک عراقی استعاره‌گرا. این روند رشد در سبک هندی به تمثیل‌گرایی منتهی شد. حاصل تحولات سیاسی، اجتماعی و ادبی جهان معاصر به ویژه در اروپا، روسیه، عثمانی و هند انقلاب مشروطه شد. این دگرگونی‌ها شعر را به گونه‌ای متأثر ساخت که به صورت نمادگرایی در آن بروز و ظهور یافت؛ هر چند نمادگرایی مثل سایر دگرگونی‌های سبکی شعر از مسائل سیاسی و حوادث اجتماعی بی‌تأثیر نبوده است، شرایط جامعه ایرانی به خصوص اختناق و استبداد رضا خانی را نیز باید از مهمترین عوامل نمادگرا شدن شعر در نظر گرفت. به طور کلی علل گرایش به نماد در شعر معاصر فارسی را می‌توان چنین خلاصه نمود:

۱. ابهام آفرینی، عمق بخشی و جستن راهی برای غنای هنری و ادبی آثار از مسیر نمادپردازی و نمادآفرینی یا آشنایی زدایی از نمادهای پیشین.
۲. تاثیر و تأثر از مکتب‌های ادبی جهان به خصوص مکتب سمبلیسم.

۳. شرایط نابسامان حاکم بر جامعه بسته ایران و تاثیر منفی آن بر ادبیات. (البته این ویژگی در مورد هراتی صدق نمی‌کند).

۴. ارضای حس نوجویی که آشنایی‌زدایی، ابهام و نماد پردازی را در پی داشت.

۵. اجتماعی‌تر شدن شعر فارسی؛ در جریان انقلاب مشروطه، وظیفه اجتماعی شعر به مراتب سنگین‌تر شد و به عنوان ابزار کارآمدی در جهت تنویر افکار مردم به خدمت گرفته شد.

۲-۲- انواع نماد

تاکنون انواع متنوعی بر حسب معیارهای مختلف برای نماد ارائه شده است؛ به عنوان مثال: تقسیم‌بندی نمادها بر حسب وسعت و شمول، جایگاه نماد در اثر، سیر تاریخی و طبیعی نماد، پیوستگی با تفکر و اندیشه، ارتباط با حوزه‌های علوم، ارزش‌های بنیادی و تکوینی، جنس پدیده‌ها و موضوعات، کلیشه و ابداع، آفرینش آگاهانه یا ناخودآگاه و ... (قبادی، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۷) اما آنچه در این پژوهش برای تقسیم نماد ارائه می‌شود، تقریباً بی‌سابقه و کلی‌تر از دسته‌بندی‌های فوق است؛ به طوری که می‌توان همه انواع نماد را در آن جای داد. از آنجا که در ادامه به طور مفصل و همراه با مصادیق و مثال‌ها به آن می‌پردازیم، ذیلاً به طور موجز و مختصر به آن اشاره می‌کنیم:

۱. نماد از دیدگاه معنایی

دیدگاه معنایی، نماد را از لحاظ پیوستگی با حوزه‌های فکری مانند اندیشه‌های عرفانی (و یا مذهبی)، سیاسی، اجتماعی و ... بررسی می‌کند. دیدگاه معنایی یعنی اینکه نماد از طریق معانی و مفاهیم دربردارنده خود چه هدفی و آن هدف را در چه زمینه‌ای برای مخاطب به کار گرفته است. مثال پررنگ و شناخته شده‌ای که برای دیدگاه معنایی قابل ذکر است، نمادهای مولانا است که دربرگیرنده اندیشه‌های عرفانی اوست.

۲. نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل دهنده. در این دیدگاه می‌توان نماد را به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول. نمادهای طبیعی: یعنی نمادهایی که مرتبط با طبیعت هستند و خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف. عناصر و مظاهر طبیعی: این گروه از نمادها، همان عناصر و مظاهر طبیعت هستند (مثل: کوه، جنگل، دریا، شب، بهار و ...) که شاعر به فراخور فضای شعر، جهت انتقال معنی موردنظرش از آن بهره می‌گیرد. عناصر و مظاهر طبیعی از رایج‌ترین و پرکاربردترین نمادهایی هستند که هم شعرای گذشته و هم شاعران معاصر به کار گرفته‌اند.

ب. نمادهای حیوانی: نمادهایی که اسامی حیوانات را با توجه به ویژگی‌های طبیعی و شناخته شده هر یک در برمی‌گیرند؛ مانند: خفاش، شیر، کبوتر و ...

دسته دوم. نمادهای غیرطبیعی؛ این گروه از نمادها نیز به دو دسته قابل تقسیم‌اند:

الف. نمادهای انسانی یا مدنی: یعنی نمادهایی که مربوط به انسان یا ساخته دست او هستند؛ مانند: حصار، پنجره، چراغ و ...

ب. نمادهای تاریخی و اسطوره‌ای: نمادهایی که شامل اسامی تاریخی یا اسطوره‌ای هستند؛ مانند: فرعون، ضحاک، رستم و ...

۳. نماد از دیدگاه میزان ابهام
«ابهام» از مهم‌ترین اهداف به کارگیری نماد (خصوصاً در شعر معاصر) است؛ بدین معنی که شاعر منظور خود را در هاله‌ای از مفاهیم پیچید و مخاطب را به گستره‌ای از معانی بکشانند. اگرچه عناصر بلاغی دیگر مانند استعاره و کنایه، راه را برای رسیدن به این هدف هموار می‌کنند؛ اما به دلیل وجود قرائن و نشانه‌ها (که خواننده را به معنی اصلی رهنمون می‌کند) نمی‌توانند به اندازه نماد مبهم باشند و با انعطاف معنایی، خواننده را به تفکر عمیق وادار کنند؛ لذا تلاش‌های شاعران جهت نزدیک کردن کنایه و استعاره به نماد و رسیدن به حد بالاتری از ابهام، ایجاب می‌کند نمادهای حقیقی و موارد نزدیک به آن، یعنی کنایه‌های رمزی و استعاره‌های

نمادنا بررسی شود که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. نکته قابل ذکر اینکه بررسی نمادهای سلمان هراتی در این پژوهش، بیشتر به لحاظ معنایی است.

۲-۳- شعر اجتماعی و سیاسی

ادبیات، مانند بسیاری از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر، در پی تحولات اجتماعی دگرگون می‌شود؛ مضاف بر اینکه خود بر وجهه‌های مختلف اجتماعی اثرگذار است. این تاثیر و تاثر، غیرقابل انکار و البته به صورت جدی، مناقشه برانگیز است. ادبیات، هنری است که به نوعی، سیر کمال فردی و اجتماعی را نشان می‌دهد و ما را به ژرف‌اندیشی، تفکر و دستیابی به گوهرهایی سوق می‌دهد که می‌تواند مبنای حرکت و تحولی گردد که در سرنوشت دیگران هم اثرگذار باشد. به عبارت دیگر، ادبیات زمینه‌های اندیشیدن جدیدی را فراهم می‌آورد که مقدمه دگرگونی اجتماعی پس از خود می‌گردد؛ به تعبیر سید جعفر شهیدی «شاعر، خود انسانی است که در اجتماع به سر می‌برد و آنچه به او الهام می‌شود، واقعیت‌هایی است که در اجتماع بر او می‌گذرد. بدین ترتیب، شعر شاعر، انعکاس اجتماعی است که او را پرورده و به او مجال بیان احساس داده، اجتماعی محدود یا گسترده» (شهیدی، ۱۳۶۵: ۶۰).

شعر اجتماعی، شعر جامعه‌گرا و انسان‌مدار است که بیان‌کننده آرمان‌های جمعی مردم بوده، ریشه در حس دردمندی اجتماعی و بشری دارد. شاعر در کارگاه خلاق شاعرانه و پالایش هنری خود به آفرینش دست می‌زند، تا بیدارکننده و ارتقابخش بینش و ادراک همگان باشد. شعر اجتماعی به نقد و بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی می‌پردازد که بیشتر بر اوضاع و احوال محیطی، فرهنگی و اجتماعی مبتنی است (درگاهی، ۱۳۸۹: ۴۰). بنابراین، اگر کسی بخواهد محیط اجتماعی شاعری را بشناسد، سروده‌های شاعران، حتی مدایح می‌تواند یاریگر او باشد و مدینه فاضله بسیاری از حکیمان جهان را در آن می‌توان دریافت. از گذشته‌های دور، در شاهکارهای شعری ایران، همانند سروده‌های فردوسی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ و حتی سروده‌های کم‌اهمیت‌تر

همانند قصاید و مدحیه‌های انوری، معزی، عسجدی و ... مسائل اجتماعی را به روشنی می‌توان دریافت. وقتی سنایی به زبونی و پستی انسان در زندگی اعتراض می‌کند، می‌گوید:

«ای سنایی، خواجه جانی، غلام تن مباش

خاک را گر دوست بودی پاک را دشمن مباش»

(سنایی، ۱۳۸۶: ۲۲۲)

و انوری در اعتراض به گروهی از شاعران که با کاسه گدایی، دست به سوی اُمرا دراز می‌کنند، می‌گوید:

«ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری

تا ز ما مشتی گدا کس را به مردم نشمری»

(انوری، ۱۳۷۶: ۴۵۴)

وقتی حافظ می‌گوید: «محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد برد» (دیوان حافظ: ۱۹۰) فریادی بر کار محتسب و حاکمان اجتماعی است. فردوسی در شاهکارش شاهنامه، در داستان‌های مختلف، از جمله داستان ضحاک ماردوش، ویژگی‌های جامعه زمان خود را به تصویر کشیده و به علت شرایط حاکم، ناگزیر برای بیان مسائل اجتماعی آن روز، زبان کنایی و اسطوره‌ای را انتخاب کرده است. باید توجه داشت که پرداخت صریح و آگاهانه به مسائل اجتماعی، اختصاصاً از ویژگی‌های برجسته شعر معاصر است که از دوره مشروطه با دقت در مضامین عینی و اجتماعی به جای مفاهیم انتزاعی به طور جدی آغاز شد؛ به طور طبیعی، شعر اجتماعی با شعر سیاسی ملازم است؛ زیرا بسیاری از مسائل اجتماعی در پیوند با مسائل سیاسی شکل می‌گیرد؛ پس زمانی که ما از رابطه شعر و سیاست حرف می‌زنیم، آشکارا آن را در ارتباط با پدیده و امر سیاسی مورد نظر قرار می‌دهیم. قدرت سیاسی، انقلاب، جنگ، خشونت، آرمان و ایدئولوژی عناصری است که شعر سیاسی درگیر آن می‌شود؛ بنابراین، رابطه شعر و انقلاب، مخصوص امروز نیست. شاعران مدافع انقلاب کبیر فرانسه چون هوگو^(۳)، شاعران مدافع جمهوری چون بودلر، شاعران مدافع انقلاب اکبر چون مایاکوفسکی^(۴)، یسه نین^(۵)، شاعران

مدافع آزادی چون الوار^(۶) و ... همه شاعران سیاسی و انقلابی دورانی سپری شده‌اند که در جای جای جهان در دفاع از مقاومت و پایداری و عمل انقلابی سخن رانده‌اند؛ بنابراین، فضاهاى سیاسى و به تبع آن نمادهای سیاسى در شعر، به خودی خود، نمود چندانى ندارند و مسامحتاً در همه موارد در ارتباط با مسائل و حوزه‌های اجتماعى (هرچند اندک) به کار می‌روند. این نکته را از کمیّت قابل توجه نمادهای اجتماعى - سیاسى نسبت به دیگر نمادها به آسانی می‌توان فهمید. شعر اجتماعى - سیاسى به شکل‌های گوناگون آشکار می‌گردد. این گونه‌گونى، متناسب با شرایط و مقتضیات، متفاوت است: گاهى صریح و آشکار است، که به شعارها نزدیک می‌گردد و وقتى شعار شد، از جوهر شعرى فاصله می‌گیرد و وجه غالب آن، محتواست. گاهى با زبان نمادین و سمبلیک ارائه می‌شود، که نیاز به شناخت و گاهى نیاز به تاویل دارد و وجه غالب آن، جوهره هنرى اثر است. گاهى به زبان طنز عرضه می‌گردد، که این گونه سروده‌ها معمولاً چاشنی‌های سیاسى و فرهنگى دیگر را در خود به همراه دارد. گاهى در مدح و تمجید عاملان سیاسى و اجتماعى جامعه سروده می‌شود و در برابر آن، در نقد و سرزنش، حتى با زبان هجو جلوه می‌کند (در گاهى، همان: ۴۰). آنچه از میان این اشکال مد نظر این بخش از پژوهش است، زبان نمادین و نمادهای اجتماعى - سیاسى است.

۲-۴- نماد و شعر دفاع مقدس

شکل‌گیرى فضایی که انقلاب اسلامى به وجود آورنده‌اش بود و پس از انقلاب، حمله عراق به ایران (جریان هشت سال دفاع مقدس) ادبیات را با چرخشى وسیع متوجه خود کرد. ادبیات انقلاب و جنگ، آینه باورها، نگرش‌ها و جلوه‌گاه آرمان‌های بلند و زلالی است که امت بزرگ ما را از گذرگاه هولناک‌ترین و دشوارترین حادثه‌ها گذرانده و به امروز رسانده است؛ ادبیاتی که در آن اشک و لبخند، آرامش و خطر، فریاد و سکوت، خاکستر و آفتاب، حتى خشم و نرمش، همسایه و هم‌خانه‌اند. با وقوع حمله عراق به ایران، جنگ هم‌تاثیرات خود را بر ادبیات گذاشت. شعر به سنگرها رفت و برخی شاعران با استشمام بوی باروت و

دود ناشی از بمباران‌ها، واقعیت جنگ را در عمل آزمودند و مضمون‌ها و تصویرهای بکری از واقعیت‌های زندگی به آنان الهام گردید. همانطور که علاقه به مفاهیم بلند انقلاب و جنگ و به طور کلی مقاومت باعث شد بسیاری از شاعران بخش قابل توجهی از آثارشان را به این حوزه اختصاص دهند؛ بدیهی است که در این اشعار، ظهور و حضور نمادها امری حتمی و قابل تامل و بررسی است.

بنابراین، شعر معاصر که تحت تاثیر شرایط سیاسی رژیم گذشته نمادگرا شده و نمادهای خاصی را درون خویش پرورده بود، با پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگونی ارزش‌ها طبعاً نمادها نیز تغییر کرد و شرایط جنگ و دفاع شدیداً آن را به خود معطوف کرد. شاعران دفاع مقدس نمادهای جدیدی ابداع کردند که هویت شعر دفاع مقدس با آنها بازشناخته می‌شود. گرچه برخی از این نمادها در شعر کاربرد داشت؛ ولی این شاعران مصادیق نو و مفاهیم جدیدی بر آنها حمل نمودند که نوعاً بدیع و ابتکاری است. واکاوای این نمادها و رمزگشایی آنها بهتر می‌تواند عمق احساس و عاطفه و ژرفای اندیشه شاعر را در برخورد با صحنه‌های پیکار که بخصوص در آن ایام بخشی از واقعیات اجتماع محسوب می‌شد، بازگو نماید و مخاطبان را که عمدتاً از نسل سوم انقلاب هستند با آن حماسه‌های همیشه ماندگار پیوند بزنند. در نماد، بخصوص نمادهای خصوصی یا شخصی که ساخته احساس و عاطفه شاعر است، بایستی ابتدا بستر یا زمینه شکل‌گیری این نمادها تبیین شود تا برجستگی نماد و به عبارت بهتر نماد بودن آن مشخص باشد. از طرفی یکی از تفاوت‌های اساسی نماد با استعاره آن است که استعاره نیاز به متن پیرامون ندارد؛ ولی نماد نیاز به محیطی دارد که در آن از رهگذر تکرارهای معنی‌دار شکوفا می‌شود. در این نوشتار برای مشخص کردن نماد گاه ناچار شدیم متن پیرامونی را نیز ذکر کنیم که بعضاً باعث درازدامن شدن شواهد شده است.

۲-۵- نوآوری‌های سلمان هراتی

سلمان هراتی از جمله کسانی است که توانسته با استفاده از قدرت معنایی نمادها، آنها را به زیبایی و هنرمندانه به کار بگیرد و بدین وسیله بر غنا و پویایی

معنایی اشعار خود بیفزاید؛ لذا بررسی این نمادها می‌تواند گره‌گشای ابهام حاکم بر آنها بوده، چشم‌انداز روشنی از نمادهای شعر معاصر برای علاقه‌مندان ترسیم کند. برای این مقاله گرچه تمامی اشعار هراتی بررسی و نمادهای آن استخراج شد، ولی صرفاً نمادهای دفاع مقدس که موضوع پژوهش حاضر بود، مورد تحلیل قرار گرفت. نمادهای مقاومت در اشعار هراتی شامل دو دسته می‌شوند؛ دسته اول، نمادهایی که مستقیماً به دفاع مقدس مربوط است؛ دسته دوم، نمادهایی که در زیرساخت زمینه آفرینش آنها از مفاهیم مرتبط با دفاع مقدس بهره برده است؛ لذا کاربرد آنها، زیرساخت و زمینه یادآوری نمادهای دیگری نیز می‌شود و این مشخصه آنها موجب چندلایگی معنایی شده، ابهام آفرینی شعر را مضاعف می‌نماید:

۲-۵-۱- نمادهایی که مستقیماً به مقاومت مرتبط هستند و در هاله‌های معانی خود، لااقل یک معنی از حوزه مقاومت را گنجانیده‌اند؛ به عبارت دیگر، این گروه، نمادهایی را شامل می‌شوند که مفاهیم مرتبط با مقاومت در میان چند لایگی مفاهیم آنها قابل بررسی است. اگرچه در اشعار هراتی، این گروه نسبت به دسته دوم نمادها، تعداد کمتری دارند، اما از نمادهای مهم و پرکاربرد مقاومتند که تأمل در آنها می‌تواند گره‌گشای بسیاری از اشعار معاصر باشد.

۲-۵-۱-۱- آفتاب

در شعر معاصر، آفتاب نمادی پرکاربرد است و گستره معنایی مفصلی دارد. معمولاً آفتاب به عنوان نماد برای خداوند، حقیقت، تبدیل‌کننده موجودات، زندگی، مرگ و تجدید حیات پس از مرگ، عدالت و حق‌گستری که همواره بر ظلم و تباهی غالب است، آزادی و رستن از شب ظلم و ستم، رستگاری، پیروزی حق بر باطل، روشنایی، بلندی و کمال، زیبایی، پاکدامنی، معنویت، شعائر مذهبی، آینده روشن، عشق، تفکر نو و مفاهیمی مانند وطن و امام زمان (عج) مورد استفاده قرار می‌گیرد. مرحوم هراتی در یک ابتکار شاعرانه چنین سروده است:

حال آنکه روشن است / آفتاب / درخشش محتومی است / در این کرانه / که

هیچ خانه / بی شهید نمانده است (هراتی، ۱۳۸۰: ۷۴).

آنچه در این شعر از نماد آفتاب استنباط می شود عشق، معنویت و همچنین مفهوم تازه شهادت و فراگیر بودن آن است.

۲-۱-۵-۲- ابری

هراتی در شعر «دنیا در باتلاق تقلب»، نابسامانی، بی عدالتی و دنیای در باتلاق تقلب گرفتار شده را توصیف می کند و در شعرش به وضعیت افغانستان که در اشغال ارتش سرخ بود، گریزی می زند که بی سابقه است:

باید به زور سرنیزه/ با صلح آشتی کرد/ روسیه تا کنون چهار بار/ در افغانستان غلط کرده است/ هوای افغانستان گرفته و ابری است/ ابری و بی باران (همان: ۹۰-۹۱).

از نماد «ابری» مفاهیم متشنج، بیمار، ستم زده، مبهم و دچار خفقان به ذهن القا می شود که حتی امروز نیز به خوبی بیان کننده اوضاع این کشور است.

۲-۱-۵-۳- باران

باران دارای یک نمادپردازی آشکار، یعنی نماینده بارورسازی و وابسته به نمادپردازی آب است؛ درست به همین دلیل، نماد پالایش است، نه تنها از آن جهت که آب، ارزش «ماده جهانی» دارد، یعنی نماینده میانجی بی شکلی یا گاز بودن و شکل داشتن یا جامد بودن است - جنبه ای که در تمام روایات نمادین معمول است - بلکه به علت این حقیقت که آب باران از آسمان فرو می ریزد؛ از این رو با نور نیز هم خانواده است. این است سبب آن که در بسیاری از اسطوره ها «باران» را نماد «تأثیرات معنوی» آسمان دانسته اند که بر زمین فرو می بارد. همچنین «باران» نماد رحمت و از طرفی نعمت و عذاب، پاکی، طراوت، احیای زندگی، کرم، برکت، تکرار، انسانیت، عطوفت، نگاه تازه و بی آرایش، حقیقت و انسان های والاست. سلمان هراتی با تکیه بر اینکه شهدا انسان های والایی بودند که راه صد ساله را یک شبه طی نمودند و به حقیقت محض رسیدند گفته است:

دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو

امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو

آنجا در آن برزخ سرد در کوچه های غم و درد

غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو

۳۹۶ / نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای...

دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو

غرق غباریم و غربت با من بیا سمت باران

صد جویبار است این جا در انتظار من و تو

(همان: ۲۹۴-۲۹۵)

«باران» در اینجا با توجه به ارتباط و اتصالش با آسمان، نماد معنویت، پاک‌ی، حقیقت، شهدا و... است.

۲-۵-۱-۴- باغ

اگرچه باغ مفاهیم جهان‌بینی، دین، عقیده، مکتب، زندگی، اجتماع، خانواده، کشور و سرزمین را داراست اما در شعر «یک چمن داغ» هراتی مفاهیم ایران، انقلاب اسلامی یا جبهه از آن استنباط می‌شود:

دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو

امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو

(همان: ۲۹۴)

۲-۵-۱-۵- پروانه

از دوره باستان تاکنون معانی متعدّد و متفاوتی برای پروانه بیان کرده‌اند. روح، جذب شدن ناخودآگاه به سمت روشنائی، زندگی، تولد دوباره، شادی، سعادت، زناشویی (سرلو، ۱۳۸۹: ۲۲۳)، حماقت و نادانی (در میان اعراب) معانی هستند که در مورد پروانه ذکر شده‌اند؛ اما در مضامین گوناگون عرفانی و اجتماعی مفاهیمی همچون عاشق پاک‌باخته، عارف، روزگار خوش، احساس پاک، آزادی و بی‌تعلق بودن نیز از آن استنباط می‌شود.

هراتی در شعر «تا کومه‌های آبی دریا» پروانه‌ها را نماد شهیدانی گرفته است که عارفانه سلوک کردند و عاشقانه ترک تعلق نمودند. همان‌هایی که وارسته و به حق پیوسته شدند:

از برق پر فروغ سم مرکب سحرچشم زمین ز خواب گران باز می‌شود

گلبوته‌های معنی و اشراق می‌دمند آنک بهار حادثه آغاز می‌شود

از اشک عاشقانه خورشید در کویر نیلوفر امید و ظفر قد کشیده است
دستان پر تحرک پالیزبان فتح بر یورش دوباره شب سرکشیده است
چشم سفر به رفتن ما بازمانده استباید به سمت خلوت پروانه‌ها گریخت
تا فهم لحظه‌های عدم در حریم عشقاز ابتدال ممتد کاشانه‌ها گریخت
(هراتی، همان: ۱۴۰)

۲-۱-۵-۶- خفاش

این جانور به سبب داشتن طبیعت مبهم، دلالت‌های ضد و نقیضی دارد. برای مثال در چین، خفاش را نشانه شادی و طول عمر می‌دانند. ولی در همان فرهنگ بال‌های خفاش نشانه‌ای از رذالت است (سرلو، همان: ۳۶۷). در بیشتر موارد، خفاش نماد افرادی است که از پذیرش حق سرباز می‌زنند، افرادی که چشم دیدن حقیقت را ندارند، انسان‌های رذل و پست، گمراهان و جاهلان، بخصوص نماد سردمداران رژیم ظلم و ستم. شگفتا/ در بیکران آفتاب‌خیز ما/ مگر پشت تاریکی دل‌هاتان/ پنهان مانده باشید/ هیچ خفاشی/ قلمرو آفتاب را در نمی‌نوردد/ جز به سرانجامی بد (هراتی، همان: ۷۴).

هراتی در این شعر خفاش را نماد نیروهای دشمن در جبهه‌های حق علیه باطل گرفته است.

۲-۱-۵-۷- دریا

در روایات اساطیری، دریا را سرچشمه زایش زندگی دانسته‌اند و علم اثبات کرده که زندگی به راستی در دریاها آغاز شده است. (سرلو، همان: ۱۶۴) مضاف بر اینکه بازگشت به دریا در فرهنگ اسلامی، نماد خرد بی‌کران الهی، ازلی و خستگی ناپذیر و در عرفان، نمادی از عالم بالا نیز هست. به طور متداول، دریا نماد خداوند، زندگی، هستی، ناخودآگاه (در روان‌شناسی)، جهان ماوراء، عالم ارواح و دنیاست. در شعر معاصر، دریا نماد افرادی است که هیاهوی وحشیانه آن‌ها ناله و آه هر مظلومی را در نطفه خفه می‌کند و اجازه نمی‌دهد دیگران آن را بشنوند، حقیقت، عظمت و بزرگی، پاکی و لطافت، تلاطم و حرکت، جای پاک

و بی تعلق، آزادی خواهان و مبارزان آزادی و حتی نماد جبهه و شهادت. در شعر «می آیی» از سلمان هراتی، نماد دریایی نیز با مفاهیم اهل پاکی و لطافت، متعلق به جای پاک و بی تعلق و اهل جبهه بودن به کار برده شده است:

از جبهه / از سنگر / با پرچم / می دانم / می آیی، می آیی / اما کی
دریادل / دریایی؟ (هراتی، همان: ۳۷۳)

۲-۵-۱-۸- شب

بررسی پیرامون نمادها نشان دهنده آن است که در حوزه ادب فارسی، کمتر شاعری است که از شب و تصاویر و معانی پنهان آن در شعر خود استفاده نکرده باشد؛ خصوصاً در شعر معاصر که شاعران با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و وقایع و مناسبات سیاسی و اجتماعی، به وفور از آن بهره برده اند. در آثار ادبی گوناگون معمولاً مفاهیمی همچون پوشیدگی، سیاهی، تاریکی، آرامش، ظلم و ستم، خفقان، تقابل با آزادی و عدالت گسترده، فضای تیره حاکم بر جامعه، تاریکی درون انسان، حجاب بین خدا و بنده، موانع و گردنه هایی که در راه بنده برای رسیدن به خدا وجود دارد، رازهای ناشناخته، روزهای غم انگیز، ناامیدی، گمراهی، آینده نامعلوم، سکوت، غم و رخوت از نماد شب استنباط می شود. در شعر دفاع مقدس، نماد شب گاه به تنهایی و گاه در قالب ترکیب های تازه ای دیده می شود؛ به عنوان مثال، هراتی در شعر «هزاره آوار» ترکیب «شب نشین» را با مفاهیم مردم دچار خفقان، اهل بدی و گناه، افرادی که تحت ظلم و ستم هستند و انسان های غفلت زده و گمراه چنین به کار برده است.

آی شمایان شب نشین / که نغمه قبیحی / به خوش رقصیتان وامی دارد / و
تنتان / گرم مستی جرعه بدبویی است / که خوگ های خوش سلیقه / در آن تف
کرده اند (همان، ۶۱).

۲-۵-۱-۹- فرعون

هنگامی که اسامی تاریخی و اسطوره ای در شعر به گونه ای استفاده شوند که معانی و مفاهیم مختلفی غیر از مفهوم حقیقی و متداول تاریخی و اساطیری از آن ها قابل برداشت باشد، با نمادهای تاریخی و اسطوره ای (رک: نماد از دیدگاه

اجزا و عناصر تشکیل دهنده) روبرو هستیم. نمادهای تاریخی از یک سو برای طیف وسیعی از مردم که با این تاریخ و اسطوره آشنا هستند. قابل درک است و از دیگر سو چون مفهوم نمادین گرفته بار معنایی جدیدی را باید به دوش بکشد که صرفاً آشنایان با زبان و نمادهای خصوصی آن شاعر مفهوم نمادین آن را درک می‌کنند. این نمادها با توجه به ویژگی‌ها و توصیف‌هایشان در تاریخ و اساطیر، می‌توانند مثبت یا منفی باشند. فرعون با توجه به ادعای اولوهیت که ادعای بزرگی است همواره چهره سیاه و منفی و مطرودی داشته است. حتی در شعر معاصر. هراتی چنین سروده است:

نظامیان / جهت پیشگیری طوفان / امواج را / در سواحل نیل بازرسی می‌کنند /
اما در تقدیر آمده است / این بار چون گذشته / صندوق حادثه / در اطراف دست‌های
امین آسیه / لنگر می‌گیرد / پلیس / بین گل محمدی و مردم / دیوار می‌کشد / و
نمی‌داند که / نیل به بلعیدن فرعونان / عادت دارد (همان، ۲۴۷).
وی «فرعونان» را در این شعر نماد ستمگران، کفار، طاغیان، دیکتاتورها،
مدعیان اولوهیت و ربوبیت و متکبران به کار برده است.

۲-۵-۲- این دسته از نمادها شامل نمادهایی هستند که مفاهیم مقاومت،
مستقیما در لایه‌های معنایشان یافت نمی‌شود؛ بلکه محتوای مرتبط با مقاومت،
زمینه آفرینش آن‌ها را فراهم کرده‌اند. جان‌مایه‌ها و مضامینی که پیرامون انقلاب
اسلامی و جنگ (و به طور کلی مقاومت) در شعر هراتی به کار گرفته شده و
زمینه پردازش و شکل‌گیری نمادها را فراهم کرده‌اند، حجم بسیاری دارند که به
مهمترین آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۵-۱- نماد وطن

وطن از موضوعات برجسته و ارزشمند اشعار انقلاب اسلامی و جنگ
تحمیلی است که تقریباً تمامی شاعران در قالب‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند.
عشق به میهن، توصیف شکوهمند و با عظمت وطن، سوگ‌سروده‌هایی که درباره
شهرهای اشغالی و ویران شده از جنگ سروده شده است؛ سرافرازی وطن،

۴۰۰ / نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای...

دل‌تنگی برای شهرها و بالاخره دعوت به مبارزه و ایستادگی در مقابل فتنه‌های دشمن و... از مضمون‌های مهم این دسته از اشعار است. در میان شاعران، سلمان هراتی به طور ویژه و مجزا، مضمون وطن را مد نظر قرار داده از آن به عنوان بستر مناسبی برای نمادها بهره برده است:

- ای مجمع الجزایر گل‌ها، خوبی‌ها! / ای مظلوم مجروح / از جنگل، دستمالی
خواهم ساخت / تا بر زخم تو بگذارم / و دنیا را می‌گویم / تا از تو بیاموزد ایستادن
را / این سان که تو از دهلیزهای عقیم / سر بر آوردی سبز و صنوبروار / ای بهار
استوار / ستارگان گواه روشنان تواند / ای اقیانوس موج عاطفه و خشونت / دنیا به
عشق محتاج است و نمی‌داند / بگذار گریه کنم / نه برای تو / که وقتی مرگ / از
آسمان حادثه می‌بارد / تو جانب عشق را می‌گیری / ای کشتزار حاصلخیز / در
باغ‌های تو خون / گل سرخ می‌شود / و کالوخ گندناک / در تو معطر شد و سنبله
بست / شگفتا چگونه آب و عطش را دوست بدارم / ای شکیبایی شکوهمند /
چندین تابستان است / که در خون و آفتاب می‌رقصی / کجای زمین از تو عاشق‌تر
است / ای چشم‌انداز روشن خدا / در کجای جهان / این همه پنجره برای تنفس باز
شده است (همان: ۱۸-۱۹).

می‌بینیم که «وطن» و مضمون‌سازی و توصیف‌های آن، نمادهای پنجره و تنفس را به همراه دارد. در این شعر، تنفس یک نماد اجتماعی و سیاسی است که نماد پنجره برای کمک رساندن در القای معانی آن آمده است. پنجره در بر دارنده مفاهیم دهان، راه‌های ارتباطی و شیوه‌های مختلف است و تنفس می‌تواند نماد آزادی، انتقاد، شرایط مطلوب، عدالت، زندگی راحت، ارتباط و فعالیت‌های سیاسی باشد.

۲-۲-۵-۲- نماد شهید و شهادت

شهید و شهادت، در حوزه شعر مقاومت معاصر فارسی، از موضوعات محوری و پراهمیت است که هم شکوهمند، حماسی، عارفانه و جامعه‌ساز است، هم حسرت‌آفرین. توصیف عظمت شهیدان و جاودانگی آنان، توصیف عاشقانه و

عارفانه از شهید و شهادت و تجدید بیعت با آنان از جان‌مایه‌ها و مضمون‌های اصلی در این موضوع محسوب می‌گردد:

- بیرون این معین محدود/ رودی از ستاره جاری است/ رودی از شهید/ با سکوت همصدا شو/ تابش‌نوی/ پشت آسمان چه می‌گذرد/ ما زمستانیم/ بی‌طراوت حتی برگ/ آنان/ در همیشه‌ای از بهار ایستاده‌اند/ بی‌مرگ (همان: ۱۱۷).

بهار از نمادهای پرکاربرد و به عقیده بسیاری از ادیبان، کلیشه‌ای است که در شعر بیشتر شاعران به چشم می‌خورد. در این شعر با توجه به زمینه و محتوای «شهید و شهادت»، بهار نماد طراوت، جوانی، شرایط مطلوب، جاودانگی، اعتدال، عافیت، شادی، حال معنوی و دوری از هواهای نفسانی است.

در همین موضوع در جای دیگری چنین سروده است:

سبزند که در هوای باغ آمده‌اند سرخند که از کویر داغ آمده‌اند

در اوج تراکم شبِ ظلمانی مردانه به یاری چراغ آمده‌اند

در اینجا توصیف شهید و رزمنده، پردازش نماد شب را به همراه دارد.

و در اینجا که من اکنون هستم/ جنگلی هست کبود/ ساقه‌های لاغر/ به تماشای تو برخاسته‌اند/ و بر آن کوه بلند/ ابرها می‌بارند/ گریه ابر سپید/ ابتدای همه دریاهاست/ اشک من اما/ چه سرانجامی در بر دارد/ تو مرا آیا تا دریا خواهی برد؟

محتوای این شعر که گفتگو با شهید است زمینه آفرینش نماد دریا (با مفاهیم خداوند، عالم ماوراء، حقیقت و...) شده است:

آن سوی چشم‌هامان/ درختانی ایستاده‌اند/ هزار بار/ سبزتر از این جنگل کال/ بعد از اینجا/ اقیانوسی است/ آبی‌تر از زلال/ یله در بی‌کرانگی/ چون ابدیتی بی‌ارتحال.

در اینجا توصیف شهید، نماد اقیانوس را به همراه دارد. اقیانوس با نماد آب برابری می‌کند و در اینجا با توجه به زمینه شعر، نماد عالمی دیگر، جهانی که طول و عرضش معلوم نیست، حقیقت، عظمت و بزرگی است.

۴۰۲ / نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای...

۲-۵-۳- نماد اعتراض

اعتراض به شرایط سیاسی و اجتماعی که بر جامعه (و یا جهان) حاکم است و حاکی از خفقان‌ها، ظلم و ستم‌ها، محدودیت‌ها، نابسامانی‌ها و ناامنی‌ها، حکومت‌های فاسد، بی‌عدالتی‌ها، بی‌اعتقادی‌ها، بی‌ایمانی‌ها و بی‌توجهی‌هاست در شعر شاعرانی که دغدغه اجتماع دارند، به وضوح قابل مشاهده است.

هراتی در شعر «زمستان قرن بیستم» در توصیف جامعه امروز خود و اعتراض به آن، چنین می‌گوید:

و امروز بازنشسته‌ای فرتوت / در پارک‌های سرانجام / از کار افتاده‌ای
مستأصل / که خمیدگی قامت و حشمتناکش را / با عصایی جبران می‌کند / من از
اهالی جهان سومم / و با تو با زبان تفنگ سخن می‌گویم / فردا را روشن تر از سحر
حدس می‌زنم / که خنده‌دار تر از مرگ نمرود / به نیش پشه‌ای فرو خواهی ریخت /
من رد پای فروردین را دیدم / بر شانه‌های برفی تو می‌رفت / و اکنون / در فکر
پرنده‌ای هستم / که از آسمان سبز می‌آید (همان: ۲۳۰).

وقتی شاعر به تمام ستم و بیداد حاکم بر جامعه بشری به ویژه جوامع غربی که ادعای مدنیّت و پیشرفت می‌کنند، اعتراض می‌نماید، متوجه می‌شود کاری از دستش ساخته نیست؛ لذا به عناصر ماورایی و امدادهای غیبی آسمانی متوسل می‌شود. در این شعر پرنده نماد روح، پیام‌آور و امداد ماورایی و غیبی است.

۲-۵-۴- نماد فتح قریب

در اشعار انقلاب و جنگ با استناد به آیات شریفه «إلا أن نصر الله قریب» (۲/۲۱۴)، «أخبری تحبونها نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین» (۱۳/۶۱) و «إذا جاء نصر الله والفتح» (۱/۱۱۰) پیروزی رزمندگان امری حتمی و مسلم است. خداوند در قرآن کریم برای مبارزان راه خود، مژده و بشارت پیروزی داده است. مردم غیور و ایثارگر ایران در پرتو لطف الهی و رهبری شایسته و بایسته امام خمینی (ره) و مبارزه جان‌فشانانه رزمندگان، به مفهوم واقعی «نصر من الله و فتح قریب» دست یافتند:

- نشاط سرودهایم را حفظ می‌کنم / و ترانه‌هایم را از آب و آفتاب پر می‌کنم /
برای بهاری که هست / برای بهاران در راه / نشاط سرودهایم را حفظ می‌کنم / و با
تمام حنجره‌های تشنه / فریاد می‌زنم: / تحقق آفتاب حتمی است / پرندگان می‌آیند
(همان: ۲۴۱).

در این شعر، هراتی از سه نماد بهار و بهاران (با مفاهیم روزهای خوش،
شرایط مساعد، عدالت اجتماعی، آغاز تفکری نو و اندیشه‌ای نوین و ...)، آفتاب
(با مفاهیم حقیقت، آزادی، پیروزی، بلندی و کمال، عدالت و ...) و پرندگان (با
مفاهیم امدادهای غیبی، حقیقت، آزادی، عوامل رسیدن به هدف، نسل روش‌فکر
و مؤمن و ...) استفاده کرده تا بگوید تحقق آفتاب که همان وعده «نصر من الله و
فتح قریب» است، قطعی و شدنی است.

توجه به این نکته ضروری است که اگرچه نمادهایی همچون بهار، کلیشه‌ای
هستند، اما هنر شاعر در این جا مشخص می‌شود که توانسته به زیبایی گستره‌ای از
معانی جدید سیاسی و اجتماعی را در آن بگنجانند؛ به تعبیر دیگر هراتی با تحمیل
معانی و مفاهیم جدیدی بر یک نماد کلیشه‌ای و پرکاربرد آن را به یک نماد
شخصی یا خصوصی با تازگی خاص خودش تبدیل کرده است. به گفته دکتر
پورنامداریان، این همان دگردیسی نمادهاست.^(۷)

۲-۵-۲-۵- نماد نوستالژی

نوستالژی (Nostalgia) از دو واژه یونانی «Nostos» به معنی بازگشت به
خانه و «Algia» به معنی «درد» تشکیل شده و مجموعاً به معنی دل‌تنگی به دلیل
دوری طولانی از زادگاه و خانه است. در تعریف نوستالژی گفته‌اند که حس
غریبی است برای بازگشت به یک وضعیت از دست رفته یا اعاده موقعیتی دیرآشنا
و مطلوب که دیگر از کف رفته است؛ به عبارت دیگر، نوستالژی، نوعی احساس
فراق توأم با حسرت به گذشته است و زمانی دست می‌دهد که آدمی از موضوع و
هدفی محبوب، محروم شده باشد. با گذشت زمان، قدر چیزی را که در گذشته از
آن برخوردار بوده، بهتر شناخته باشد و به محروم شدن از آن غبطه بخورد. همان‌طور
که ملاحظه می‌شود در این تعریف و توضیح، زمان گذشته، ابژه مطلوب، از دست

۴۰۴ / نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای...

دادن موقعیت دلخواه و غبطه خوردن بسیار حائز اهمیت است؛ غبطه خوردن (یا حسرت و دلتنگی) نتیجه‌ی از دست دادن ابژه‌ی مطلوب است و به یاد آوردن آن، به ویژه زمانی که فرد با شرایط مطلوب یا متقابل با وضعیت پیشین روبه‌رو می‌شود، با تألم درونی همراه است و در نتیجه آرزو می‌کند کاش موقعیت‌های سابق تکرار شود (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۷: ۴۳).

با تحلیل بسیاری از سروده‌های پس از جنگ تحمیلی، می‌توان چنین مختصات معنایی را در آنها مشاهده نمود که ما از آن با عنوان دلتنگی و حسرت یاد می‌کنیم:

- دلم برای جبهه تنگ شده است / چقدر جاده‌های هموار کسالت آورند / از یکنواختی دیوارها دلم می‌گیرد / می‌خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم / آن بالا به آسمان نزدیک‌ترم / و می‌توانم لحظه‌های تولد باران را / پیش‌بینی کنم (هراتی، همان: ۸۵)

در این شعر دیوار نماد زندگی، تعلقات دنیا، دغدغه‌ها و مشکلات، آرزوها و امیال و ... است. وی در جای دیگری در این باره چنین سروده است:
من دلتنگم / بنا دارم با نام تو با شعر / پلی بسازم / تا وقتی از آن می‌گذرند / آسمان را بفهمند.

در شعر مذکور آسمان نماد خدا، معنویت، عشق الهی، سخاوت و ... است. هراتی که خود حسرت کشیده ایام خوش دفاع مقدس بود دلتنگیش را این گونه به تصویر کشیده است:

دیدن روی تو آسان نیست آه کاشکی من داغ هجران داشتم
آه از پاییز سرد ای کاش من از تو باغی در بهاران داشتم
هراتی در این شعر، «پاییز» را به عنوان نماد برای مفاهیم دوری، تنهایی، پژمردگی، غم، سکوت و مرگ آورده است.

۳- نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر شد سلمان هراتی در ساخت و پردازش نمادهای مقاومت، شاعری مبتکر و خلاق است. او نمادهای رایج در شعر را با تغییر کاربرد در

خدمت ساخت مضامین دفاع مقدس و پایداری ملت قرار می‌دهد؛ مثلاً «آفتاب» به عنوان نماد خدا، حقیقت، زندگی، عدالت و امام زمان (عج) کاربرد داشته است ولی او آن را نماد شهادت دانسته است. «ابری» به عنوان نماد نابسامانی و بی‌عدالتی شهرت دارد؛ اما هراتی وقتی هوای افغانستان را ابری، گرفته و بی‌باران می‌گوید، جامعه متشنج، ستم‌زده، مبهم و خفقان‌آور آنجا را به تصویر می‌کشد. «باران» که نماد پاکی، طراوت، انسانیت و عطوفت است در شعر سلمان نماد شهادت است؛ همان انسان‌های والایی که به حقیقت پیوستند. «خفاش» در ادبیات ما نماد سردمداران ظلم و ستم و افراد پست و گمراه است در حالی که هراتی خفاش را نماد نیروهای دشمن گرفته است.

وی در ساخت و پردازش نمادهای مرتبط با دفاع مقدس مفاهیم دیگری را نیز به کار می‌برد تا مضمون سازی‌های او بهتر به خواننده القا گردد؛ به عنوان مثال، نماد «وطن» برای او تداعی کننده پنجره و تنفس هم هست. پنجره یادآور دهان و راه‌های ایجاد ارتباط است و تنفس القا کننده آزادی، عدالت و راحتی فعالیت‌های سیاسی است؛ همچنین مضمون «شهادت» تداعی کننده بهار، جوانی، جاودانگی و شادی است. یا زمانی که از فتح قریب سخن می‌گوید، نمادهای «بهار» (بهاران)، «آفتاب» و «پرنندگان» را نیز به خدمت درمی‌آورد. بهار، نماد رشد، عدالت، اندیشه نو و آفتاب نماد حقیقت، آزادی، پیروزی و پرنندگان نماد امدادهای غیبی، عوامل رسیدن به هدف و نسل روشن فکر است؛ به این ترتیب، نمادهای او سلسه‌وار تداعی کننده طیف گسترده‌ای از مضامین و مفاهیم سیاسی و اجتماعی است.

یادداشت‌ها

۱. Charles Chadwick رمان‌نویس انگلیسی.
۲. Carl Gustav Jung، روان‌شناس و متفکر سوئیسی.
۳. Victor Hugo از بزرگترین شاعران قرن نوزدهم فرانسه و داستان‌نویس و رمان‌نویس و بنیانگذار مکتب رمانتیسیم.
۴. Vladimir Mayakovsky شاعر فوتوریست انقلابی روسی.
۵. Alexander Sergeyevich Esenin شاعر و ریاضیدان روسی.
۶. Paul Eluard شاعر سورئالیست و مبارز فرانسوی.

۴۰۶ / نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای...

۷. رک: پورنامداریان، تقی و خسروی شکیب، محمد. «دگرذیسی در شعر معاصر». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

فهرست منابع

الف - کتاب‌ها

۱. انوری، علی بن محمد. (۱۳۷۶)، **دیوان انوری**. ج ۱، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی، پنجم.
۲. پادشاه، محمد. (۱۳۳۵)، **فرهنگ آندراج**. تهران: کتابخانه خیام.
۳. پورنامداریان. (۱۳۸۱)، **خانه‌ام ابری است**. تهران: سروش، دوم.
۴. ----- (۱۳۶۷)، **رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی**. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، دوم.
۵. حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۴)، **دیوان حافظ**. تصحیح علامه قزوینی و دکتر غنی، تهران: اساطیر، پنجم.
۶. داد، سیما. (۱۳۸۷)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. تهران: مروارید، چهارم.
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲)، **لغت نامه دهخدا**. تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید.
۸. رامپوری، غیاث‌الدین. (۱۳۶۳)، **فرهنگ غیاث اللغات**. تهران: امیرکبیر.
۹. سرلو، خوان ادواردو. (۱۳۸۹)، **فرهنگ نمادها**. ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: داستان، اول.
۱۰. سنایی غزنوی. (۱۳۸۶)، **غزل‌های حکیم سنایی غزنوی**. تصحیح یدالله جلالی پندری، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱)، **بیان**. تهران: فردوس، نهم.
۱۲. قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۸)، **آیین آینه**. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، دوم.
۱۳. معین، محمد. (۱۳۷۵)، **فرهنگ فارسی**. تهران: سپهر، نهم.
۱۴. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۴)، **مثنوی معنوی**. تهران: هرمس، دوم.
۱۵. نفیسی، علی اکبر. (۱۳۱۸)، **فرهنگ نفیسی**. تهران: کتابفروشی خیام.
۱۶. هراتی، سلمان. (۱۳۸۰)، **مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی**. تهران: دفتر شعر جوان، دوم.

نشریه ادبیات پایداری/۴۰۷

۱۷. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۵۲)، **انسان و سمبل‌هایش**. ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر، اول.

ب- مقاله‌ها

۱. پورنامداریان، تقی و خسروی شکیب، محمد. «**دگردیسی نمادها در شعر معاصر**». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۲. درگاهی، زین‌العابدین. «شعر، نقد و شعر اجتماعی». **کتاب ماه ادبیات**، ش ۳۸، خرداد ۱۳۸۹، ۴۰.
۳. رضایی جمکرانی، احمد. «نوستالژی، دل‌تنگی و حسرت عارفانه در شعر سال‌های نخستین پس از جنگ تحمیلی». **کتاب ماه ادبیات**، ش ۲۲، بهمن ۱۳۸۷، ۴۳.
۴. شهیدی، سید جعفر. «شعر و اثر آن در اجتماع». **رشد ادب فارسی**، سال ۲، ش ۲، تابستان ۱۳۶۵، ۶۰.
۵. قبادی، حسینعلی. «**نظری بر نمادشناسی و اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه**»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳ و ۴، سال ۲۸، ۳۴۷.
۶. ----- «**نظری بر نمادشناسی و اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه**»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳ و ۴، سال ۲۸، ۳۴۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی